

The study of Ceramics Known as “House Model” in Medieval Islamic Iranian Art Using The Iconography Method

Hessamedin Arman¹ (Corresponding Author)

Lecturer, Handicrafts Department. Art Faculty, University of Bojnord, Iran

(Received: 08.07.2023, Revised: 31.08.2023, Accepted: 26.11.2023)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31182.1185>

Abstract:

Among the historical objects of Iran in the medieval Islamic period, there are unknown objects in terms of their function and reasons of construction, which were called “model houses” by Western archaeologists based on their appearance. Although in the last decade, efforts have been made by researchers and antiquities experts in the prestigious museums of the world to find out the essence of these objects, but so far no convincing and logical proposition has been presented in this regard. The most important goal of this research is to collect and classify the available examples of these objects, because in previous researches and writings about the art of Iran in the middle centuries, these objects have always been mentioned as a secondary and less important topic in the Seljuk period pottery and they have not been specifically studied. Irwin Panofsky’s iconography method can be considered as a logical and useful method according to its capabilities in understanding visual works, which in the form of a coherent system on three levels, has made it possible to approach the understanding of the work of art. at the first, this article seeks to find out whether Erwin Panofsky’s method in art historiography studies can be used in the reading of these works. And secondly, is it possible to find a way to understand the meaning of these objects by using it? For this purpose, by using the analytical descriptive method based on Panofsky’s theory and collecting data from prestigious museums and collections, an attempt was made to come closer to understanding these objects by presenting a coherent and organized classification. The result of this research shows that Panofsky’s method can be useful in studying the visual aspects of these works in the pre-iconography stage due to its codified structure and in the stage of iconography, it seems to be effective in knowing the objective concepts and their expressive meanings because the said objects have narrative characteristics.

Keywords: The so-called House Model Pottery, Iran, Medieval Ara, Study of Iconography.

1- Email: H.arman@ub.ac.ir

How to cite: Arman, H. (2023). The study of ceramics known as “house model” in medieval Islamic Iranian art using the iconography method. *Journal of Applied Arts*, 3(2), 5-19. DOI: 10.22075/aaaj.2023.31182.1185

مطالعه اشیا سفالین موسوم به «مدل خانه» در هنر ایران سده‌های میانی، با بهره‌گیری از روش شمایل‌نگاری

حسام الدین آرمان^۱ (نویسنده مسئول)

مری، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، ایران
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵)
مقاله علمی-پژوهشی - <https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31182.1185>

چکیده

در میان اشیای تاریخی ایران در سده‌های میانی دوره اسلامی، اشیایی مجهول از نظر کارکرد و علل ساخت وجود دارد که براساس شکل ظاهری آن‌ها از سوی باستان‌شناسان غربی، «ماکت یا مدل خانه» نامیده شده‌اند. اگرچه در یک دهه اخیر، تلاش‌هایی از سوی محققان و کارشناسان آثار باستانی در موزه‌های معتبر جهان، جهت پی‌بردن به ماهیت این اشیاء صورت گرفته، تاکنون گزاره‌ای متقن و منطقی در این خصوص ارائه نشده است. مهم‌ترین هدف این تحقیق، جمع‌آوری و طبقه‌بندی نمونه‌های در دسترس از این اشیاء به‌عنوان موضوعی فرعی و کم‌اهمیت در باب سفالگری دوره سلجوقی مطرح بوده و به‌صورتی خاص مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. روش شمایل‌نگاری اروین پانوفسکی را با توجه به قابلیت‌های آن در فهم آثار تجسمی، می‌توان روشی ارجح و سودمند شمرد که در قالب یک نظام منسجم در سه سطح، امکان نزدیک‌شدن به فهم اثر هنری را میسر کرده است. نوشتار حاضر در وهله اول به‌دنبال آن است که آیا روش اروین پانوفسکی در مطالعات تاریخ‌نگاری هنر را می‌توان در خوانش این آثار به کار برد؟ و ثانیاً آیا با بهره‌گیری از آن می‌توان به فهم ماهیت این اشیاء راهی پیدا کرد؟ به این منظور، با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، بر پایه نظریه پانوفسکی و گردآوری داده‌ها از موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر داخلی و خارجی، سعی شده با ارائه یک طبقه‌بندی منسجم و سامان‌یافته، به فهم این آثار نزدیک‌تر شد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد روش پانوفسکی از جهت ساختار مدون خود می‌تواند در مرحله پیشاشمایل‌نگاری، در مطالعه جنبه‌های بصری این آثار مفید باشد و در مرحله شمایل‌نگاری نیز به نظر می‌رسد از جهت آنکه اشیای مزبور دارای ویژگی‌های روایی‌اند، در شناخت مفاهیم عینی و معانی بیانی آن‌ها اثربخش باشد.

واژه‌های کلیدی: سفالینه مدل خانه، ایران، سده‌های میانی، شمایل‌نگاری.

1- Email: H.arman@ub.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: آرمان، حسام الدین. (۱۴۰۲). مطالعه اشیاء سفالین موسوم به «مدل خانه» در هنر ایران سده‌های میانی با بهره‌گیری از روش شمایل‌نگاری. نشریه تخصصی هنرهای کاربردی، ۳(۲)، ۵-۱۹. DOI: 10.22075/aaaj.2023.31182.1185

روش تحقیق

این پژوهش، بنا به ماهیت آن، در زمره تحقیقات موردی قرار دارد؛ بنابراین، به منظور دستیابی به هدف تحقیق، پس از مروری بر آرای پانوفسکی به عنوان چارچوب نظری پژوهش، با بهره‌گیری از توصیف پیشاشمایل‌نگارانه در لایه اول، به جمع‌آوری و طبقه‌بندی نمونه‌های شاخص از این اشیا پرداخته می‌شود. به این منظور، با مطالعه و گردآوری نمونه‌های موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی و بهره‌گیری از تحقیقات پیشین در این موضوع، سعی خواهد شد معانی عینی و تا حدودی معانی بیانی این اشیا مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در آثار بسیاری از پژوهشگران معاصر هنر اسلامی، اشاراتی (بیشتر در قالب توصیف اشیا موزه یا مجموعه) به مدل‌های خانه شده، از جمله در آثار آرتور اپهام پوپ، ریچارد اتینگهاوزن، الگ گرابار، آرتور لین، امبرتو شرآتو، اویا پانکار اوغلو، گیزا فهوراری، الیور واتسون و... بخشی به این اشیا اختصاص یافته است؛ اما جامع‌ترین تحقیق در این خصوص، مربوط به رساله دکتری مارگارت اس. گریوز (دانشیار تاریخ هنر و معماری در دانشگاه ایندیانا) است که در سال ۲۰۱۰ در دانشگاه ادینبورگ، با عنوان *Worlds Writ Small: Four Studies on Miniature Architectural Forms in the Medieval Middle East* به راهنمایی پروفسور رابرت هیلندبراند نگاشته شده است. وی با واکاوی چهارگونه شیء در چهار فصل شامل مدل‌های خانه سرامیکی، میزهای سرامیکی، پایه‌های کوزه مرمین حکاکی‌شده در قاهره و فلزکاری با تأکید بر جوهردان‌هایی از خراسان و بخورسوزها، هدف نوشتار خود را شناسایی استعاره‌های معمارانه در هر گروه از این چهار شیء بیان می‌کند و بر عملکردهای بصری و شمایل‌نگارانه (Iconographical) معماری به‌عنوان اشیا تزئینی تأکید دارد. او معماری را الهام‌بخش طراحی این اشیا می‌داند.

پیش از این رساله، او در مقاله‌ای با عنوان *Ceramic House Models from Medieval Persia Domestic Architecture and Concealed Activities* در سال ۲۰۰۸، سعی در کشف روابط این اشیا با سایر محصولات فرهنگ مادی (تجسمی) در دوره سلجوقی و مقوله معماری دارد

سفالینه‌های ماکت‌مانند از دوره سلجوقی، از جمله اشیای ناشناخته در میان انواع آثار هنری در گستره فرهنگی ایران است. در حال حاضر، به‌شکلی دقیق نمی‌توان گفت چه تعداد از این اشیا در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در سراسر جهان وجود دارد؛ زیرا در این خصوص، پژوهش آماری و روشمندی تاکنون انجام نشده است. همچنین تعداد زیادی از این اشیا در مخازن موزه‌ها و مجموعه‌ها باقی مانده و در معرض نمایش نیست. موضوع حفاری‌های غیرقانونی و دلالتی آثار عتیقه نیز بر پیچیدگی وجه اعتباری آن‌ها افزوده است. برخی از نمونه‌های این اشیا از حراجی‌های بین‌المللی سر درآورده‌اند. خصوصاً در یک دهه اخیر، با توجه به اوضاع آشفته سیاسی و جنگ در غرب آسیا، به‌صورت روزافزون، شاهد ورود آثار به حراجی‌های عتیقه هستیم که این مسئله، موجب پراکندگی و فقدان مطالعه علمی روی آثار می‌شود. مهم‌ترین هدف این تحقیق، جمع‌آوری و طبقه‌بندی نمونه‌های در دسترس از این اشیاست؛ زیرا در تحقیقات و نوشته‌های قبلی، در خصوص هنر ایران در سده‌های میانی، همیشه این اشیا به‌عنوان موضوعی فرعی و کم‌اهمیت در باب سفالگری دوره سلجوقی مطرح بوده و به‌صورتی خاص مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. در پژوهش روی این آثار، از شیوه‌ها و رویکردهای متنوعی می‌توان بهره برد.^۱ روش شمایل‌نگاری اروپین پانوفسکی را با توجه به قابلیت‌های آن در فهم آثار تجسمی، می‌توان روشی ارحح و سودمند شمرد که در قالب یک نظام منسجم در سه سطح، امکان نزدیک‌شدن به فهم اثر هنری را میسر کرده است. در حقیقت، در نگاه اول، با توجه به تنوع پیکره‌های تصویری این آثار و نیز دارابودن جنبه‌های روایی، بهره‌گیری از روش پانوفسکی می‌تواند یک شروع مقدماتی و کامل برای یک پژوهش گسترده‌تر باشد. ناگفته پیداست که هر یک از رویکردها و چارچوب‌های نظری، توانایی عمیق‌ترشدن در چیستی و ماهیت این اشیا را از منظر خود فراهم می‌آورد؛ بنابراین، فرض بر این است که در مطالعه این اشیا، از مراتب سه‌گانه ارائه‌شده توسط پانوفسکی می‌توان بهره برد و به فهم و شناخت معنای آن نزدیک‌تر شد.

پرسش تحقیق

با کاربست روش شمایل‌نگاری پانوفسکی، چه خوانش تازه‌ای را می‌توان از ماهیت سفالینه‌های

و همراه با شواهد متنی در حوزه نمادشناسی و شمایل‌نگاری، تلاش دارد به فهم این اشیا دست یابد. او در نهایت، تقریباً هم‌نظر با محققان پیشین، این اشیا را به‌عنوان یادبودهایی برای مراسم نوروز یا جشن ازدواج شناسایی می‌کند. گریوز در آخرین کتاب تألیفی خود در سال ۲۰۱۸ با عنوان *Arts of Allusion: Object, Ornament, and Architecture in Medieval Islam* (Oxford 2018)، پیشنهادهای جدیدتر خود را در ارتباط با این اشیا مطرح کرده است. پس از او، ماریا ویتوریا فونتانا، استاد دانشگاه ساپینزا در شهر رم ایتالیا، در مقاله‌ای مروری با عنوان *A New Understanding of the Seljuq Ceramic Models of Houses: A Review Article* در سال ۲۰۱۹، به موضوع مدل‌های خانه و مجسمه‌های سرامیکی در دوره سلجوقی می‌پردازد و با اشاره به تحقیقات مارگارت اس گریوز و نیز براساس منابع خود از رسوم زردشتیان دهه‌های اخیر، این اشیا را مربوط به آیین‌های ایران باستان می‌داند.

مروری بر خوانش شمایل‌نگارانه (آیکونوگرافیک) از دیدگاه اروین پانوفسکی

شمایل‌شناسی، شاخه‌ای از مطالعات تاریخ هنر است که به مضمون یا معنای آثار هنری در تقابل با فرم آن می‌پردازد (پانوفسکی، ۱۳۹۵: ۳۵). این شاخه در نگاهی عمومی و کلان، به معنای مطالعه تصاویر و بازنمایی‌های نمادین و تمثیلی مفاهیم است (نامورمطلق، ۱۳۹۰: ۵۳). ریشه این واژه که ترجمه کلمه *Icon* است، نه تنها نقاشی، بلکه گستره وسیعی از هنرهای تجسمی را در بر می‌گیرد و مقصود از آن، توصیف محتوای اثر هنری است (نصری، ۱۳۹۱: ۸). در حالی روش شمایل‌شناسی به‌عنوان یک شیوه مطالعات تاریخ هنر در قرن بیستم توسط واربرگ و پانوفسکی مطرح شد که پیش از آن، تلاش‌هایی در جهت توصیف و تحلیل آثار هنری انجام پذیرفته بود^۱. پانوفسکی در قالب موسسه واربرگ، پایه‌گذار یک روش منسجم مطالعاتی شمایل‌شناسانه در تاریخ هنر است. وی برای درک مفهوم نهفته در اثر هنری، مراتبی سه‌گانه را پیشنهاد می‌کند: ۱. توصیف پیشا آیکونوگرافیک؛ ۲. تحلیل آیکونوگرافیک؛ ۳. تفسیر آیکونولوژیک. در لایه اول، محقق به توصیف پیشا‌شمایل‌نگارانه اثر هنری بر مبنای صورت‌های محسوس موجود در آن، با تکیه بر تجربه عملی خود می‌پردازد. پژوهشگر در این لایه، با توصیف رنگ، سطح،

ترکیب‌بندی و سایر عناصر بصری یک اثر هنری، به معنای عمیق‌تر آن دست می‌یابد و با توصیف مفاهیم مرتبط با عواطف، مانند حالات چهره‌ها، به فهم معانی بیانی نزدیک‌تر می‌شود (پانوفسکی، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۲). در سطح دوم، یعنی تحلیل شمایل‌نگارانه، معنای اثر هنری به‌وسیله تجارب معمول، با در نظر گرفتن صورت‌باز نمودی آن‌ها کشف نمی‌شود؛ بلکه از طریق فهم قراردادهای معنایی و سنت‌های زمینه‌ای آشکار می‌گردد. به این منظور، محقق از طریق مطالعه نمادها و تمثیل‌هایی که هنرمند به‌صورت انضمامی یا عامدانه به کار برده است، تلاش می‌کند به فهم عمیق‌تری از اثر هنری نزدیک شود (نصری، ۱۳۹۱: ۱۳). شرط لازم برای به ثمر رسیدن این تلاش‌ها، مراجعه محقق به منابع ادبی یا سنت‌های شفاهی در منابع تاریخی است تا بتواند به تحلیلی سامان‌یافته میان فرم هنری و محتوای ادبی دست پیدا کند. در لایه سوم، یعنی تفسیر شمایل‌شناسانه^۲، محقق به دنبال مفاهیمی است که با مشخصه‌های اجتماعی، فلسفی یا الاهیاتی نهفته در اثر، ارتباط پیدا می‌کند. این مشخصات، جهان‌بینی حاکم بر هنرمند را شکل می‌دهد و ناخودآگاه توسط او در اثرش منعکس می‌شود (عبدی، ۱۳۹۱: ۴۶). در این مرحله، از نظر پانوفسکی، با جهان‌بینی آن دوره مواجه می‌شویم (نصری، ۱۳۹۱: ۱۵)؛ به همین دلیل، وی این لایه را به‌عنوان مرتبه‌ای بالاتر قلمداد می‌کند و از آن به‌عنوان «شمایل‌نگاری عمیق‌تر» یاد می‌کند (همان). میان این سه لایه، یک رابطه طولی برقرار است و هریک از این مراحل، زمینه‌ساز مرحله یا لایه بعدی است.

گونه‌شناسی

سفالینه‌های موسوم به مدل خانه (*house models*)، اشیایی با ظاهری پیچیده و مجسمه‌مانند، با کلیت یک شیء هندسی اغلب مستطیل‌شکل هستند که از گل رس معمولی (*earthen ware*) ساخته شده است. اگرچه تعدادی از آن‌ها با رنگی روشن‌تر، نشان‌دهنده دمای پخت بالاتر یا مقدار کمتر خاک رس در ترکیب بدنه‌اند. این بدنه‌های موسوم به خمیر سنگی (*stone-paste*)، از ابداعات سفالگران ایرانی دوره سلجوقی در رقابت با چینیان محسوب می‌شود که وجود مقدار زیادی سنگ چخماق و بلور، باعث ایجاد رنگ سفیدتر و نیز موجب استحکام بدنه و ایجاد پیوند محکم‌تر با لعاب

می‌شود^۴. جنس بدنه از خاک رس سفید و بعضاً نخودی‌رنگ است. تخلخل و تراکم سطح بدنه نشان می‌دهد دمای پخت متوسطی (احتمالاً حدود ۱۰۰۰ درجه) داشته است. اینکه نمونه‌هایی دارای بدنه سفیدرنگ هستند. با رواج ساخت بدنه های خمیرسنگی در قرون میانی، کاملاً مطابقت دارد، خصوصاً اینکه لعاب‌هایی چون رنگ فیروزه ای، روی زمینه سفید جلوه و شفافیت بیشتری دارد. تنوع فرم‌ها، ظرافت، پیچیدگی، جزئیات و نوع تزیینات به شکلی است (عموماً دارای نقوش و فرم‌های افزوده) که گمان استفاده از گل رس به تنهایی و به صورت خالص را تقریباً منتفی می‌سازد و احتمال بسیار وجود دارد از برخی افزودنی‌های آلی، مانند موی برای ایجاد خواص فیزیکی مد نظر در گل استفاده شده باشد. همچنین از آنجایی که این اشیاء تماماً لعاب‌دار هستند، احتمال استفاده از این مواد در ترکیب گل که موجب افزایش پیوستگی و انسجام بیشتر میان لعاب و بدنه بعد از فرایند پخت می‌شود، بعید نیست. تمام نمونه‌های موجود، لعاب‌دارند و از انواع متنوعی از لعاب‌ها در پوشش آن‌ها استفاده شده است. عمدتاً لعاب‌های تک‌رنگ، خصوصاً از طیف‌های مختلف رنگ فیروزه‌ای که به علت گذر زمان، اغلب صدفی شده‌اند (جدول ۱، شماره ۱۲) تا سبز (جدول ۱، شماره ۱۳) و آبی لاجوردی (جدول ۱، شماره ۱) بسیار به کار رفته است. به نظر می‌رسد دلیل عمده‌ای که می‌توان در خصوص رواج استفاده از رنگ سبز و فیروزه‌ای بیان کرد، این است که رونق کارگاه‌های فلزکاری و خصوصاً استفاده از مس و آلیاژهای معمول آن و در نتیجه، فراوانی و دسترسی به ضایعات و توفال مس که عامل رنگ فیروزه‌ای و سبز در لعاب است، موجب این امر شده است. البته ناگفته پیداست که این رنگ‌ها به لحاظ آیینی، جایگاه و اهمیت بسزایی در بستر محصولات و مواد فرهنگی این عصر دارند. در این میان، برخی مانند نمونه موزه بریتانیا، دارای لعاب زرین‌فام هستند (جدول ۱، شماره ۲۲). همچنین تعدادی مانند نمونه موزه بنیاد، لاجوردی‌رنگ‌اند (جدول ۱، شماره ۳). تعدادی هم دارای نقاشی شبیه به لعاب مینایی هستند (جدول ۱، شماره ۳۵). در نمونه موزه آگینه نیز از تکنیکی شبیه لعاب پاشیده استفاده شده است (جدول ۱، شماره ۱۴).

نمونه‌هایی وجود دارند که اساساً به صورت مکعب‌مستطیل نیستند. نمونه‌هایی با سطح

مقطع دایره مانند نمونه بنیاد (جدول ۱، شماره ۷)، شش‌ضلعی مانند مجموعه کلایر طباق موزه لوور و نیز در موزه برلین (جدول ۱، شماره ۳۱)، قایقی‌شکل مانند نمونه بنیاد (جدول ۱، شماره ۶) و مربع، مانند نمونه‌هایی در بنیاد و آگینه (جدول ۱، شماره ۱۴) نیز وجود دارند.

اگرچه کاربرد دقیق این اشیاء هنوز به صورت دقیق و قطعی مشخص نیست، نمونه‌هایی مشابه وجود دارند که با توجه به فرم آن می‌توان گفت احتمالاً جزء ادوات روشنایی (پیه‌سوز) یا عودسوزها هستند. آنچه موجب این شباهت می‌شود، نه فقط اشتراک در روش ساخت، نوع بدنه و لعاب، بلکه وجود عناصر تزیینی مشترک، مانند انواع حلقه‌ها و زائده‌های گل‌میخ‌مانند و برخی پیکره‌های انسانی و حیوانی است. جدا از اینها، اشتراک در مضامین روایت‌گونه نیز این شباهت را دوچندان می‌کند. نمونه‌هایی مجسمه‌مانند (فیل سوار) نیز چنین تشابهی را به ذهن متبادر می‌کند.

برخی از این اشیاء، حاوی کتیبه‌هایی هستند که بعضاً به علت پُرشدن با لعاب یا آسیب دیدن و مرمت، خوانا نیستند و تاکنون اطلاع جامعی از محتوای آن‌ها به دست نیامده است. به هر روی، طبیعتاً اگر مضامین کتیبه‌ها معلوم باشد، بیشتر می‌توان به ماهیت این اشیاء پی برد.

از جمله نکات بحث‌برانگیز درباره این اشیاء سفالین این است که تاکنون نمونه مشابهی که با دیگر مصالح، چون سنگ، چوب یا فلز ساخته شده باشد، به دست نیامده است. اساساً گل، ماده‌ای آسان و همیشه در دسترس و فرم‌پذیر است؛ اما با توجه به شکنندگی و آسیب‌پذیر بودن این ماده، نکته عجیب این است که هیچ شیء مشابهی با این فرم و ویژگی‌ها سراغ نداریم. با توجه به شکل و ساختار این اشیاء، کاملاً بدیهی است که از روش‌های دستی کار با گل برای ساخت آن استفاده شده است. ساده‌ترین راه شکل‌دهی، روش ورقه‌ای است. البته محتمل است برای ساخت برخی جزئیات و الحاقات، از انواع قالب‌ها بهره گرفته شده باشد. فرم‌های قرینه یا مدور نیز امکان ساختن با چرخ سفالگری را داشته‌اند (جدول ۱، شماره ۷).

تاریخ رواج و گستردگی وجود این اشیاء در پهنه زیست کارکردی، خود موضوعی جالب توجه است. چنان‌که میان اولین نمونه‌ها از نظر قدمت تاریخی تا موارد متدختر، حدود دو قرن فاصله است، به گونه‌ای که نه قبل از آن و نه بعد از آن

بیانگر این موضوع است که هر کدام از این اشیا منحصر به فرد بوده و به صورت سفارشی ساخته شده است.

عناصر حرکت، ریتم، تقارن، تناسب و... به طرز محسوسی در این اشیا قابل شناسایی است. این اشیا اغلب در نهایت قوت و کمال در ویژگی‌های بصری ساخته شده‌اند. وجود برخی الحاقات شبیه اجزای ساختمان و ویژگی‌های معمارانه که در بیشتر این اشیا دیده می‌شود و شباهت کلی آن‌ها با یک فضای بسته، باعث شده محققان در برابر ابهامات موجود راجع به کاربرد و علت ساخت آن‌ها، نام ماکت خانه را برای این اشیا انتخاب کرده‌اند. اگرچه در دفاتر ثبت اشیای عتیقه در ایران، برخی کارشناسان (به‌عنوان مثال، دفاتر مخزن موزه رضا عباسی) عنوان بت‌کده را برای این اشیا برگزیده‌اند (تصویر ۲). در بسیاری از این اشیا، تقسیم‌بندی‌هایی در فضای داخلی آن‌ها به چشم می‌خورد که شبیه راهروهایی است که به هم مرتبط شده‌اند. با توجه به اینکه ساخت چنین راه‌گاه‌هایی در این اشیای سفالین تا حدودی به پیچیدگی کار



تصویر ۲ - ماکت سفالی پیکره‌ها در مراسم آیینی، هزاره ۴ ق.م، موزه بنیاد، ایران، تهران. منبع: (نگارنده)

می‌افزاید، به نظر می‌رسد دلیلی منطقی در پس آن وجود داشته باشد (شاید چیزی شبیه یک وسیله بازی).

نمونه‌هایی از مجموعه پیکره‌هایی روایی از جنس سفال بدون لعاب، از ادوار پیش از تاریخ در فلات ایران وجود دارد که عموماً فاقد کالبد معماری و نشان‌دهنده افرادی است که در حال برگزاری مراسمی آیینی‌اند. این اشیا از نظر فرم و حرکت و پویایی، قابل مقایسه با نمونه‌های مورد بحث ما در سده‌های میانی ایران در دوره اسلامی هستند. پیکره‌های ساخته‌شده در تعدادی از نمونه‌ها نیز شبیه ستون-پیکره‌هایی است که

تاریخ، اثری از این اشیا در ایران و حتی سایر سرزمین‌های اسلامی وجود ندارد. با توجه به آنکه بسیاری از سبک‌ها و روش‌های هنری که در جهان اسلام جریان داشته‌اند، کاملاً متأثر از یکدیگر و تأثیر پذیرفته از محیط فرهنگی بوده‌اند، محوطه‌هایی که چنین اشیایی از آن‌ها به دست آمده، محدود به چند شهر در سرزمین‌های ایرانی است و در سایر مراکز تولید سفال (به‌عنوان مثال، شهر رقه)، اثری از این اشیا به دست نیامده است. تنها نمونه‌های بسیار کمی وجود دارند که محل کشف آن دقیقاً مشخص باشد. اغلب این اشیا به صورت غیرعلمی حفاری شده‌اند یا از طریق دلالت عتیقه به مجموعه‌ها و موزه‌های دیگر کشورها راه پیدا کرده‌اند. فارغ از انواع مضامین ارائه‌شده، روش ارائه آن را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: برخی به صورت کاملاً سه‌بعدی و مجسمه‌مانند ساخته شده است. برخی به صورت نقش برجسته ساخته شده و تعدادی نیز به صورت توأمان همراه با کتیبه ارائه شده است.

مضامین نقوش و پیکره‌ها بسیار متنوع است؛ اما چگونگی ارائه آن، حکایت از نوعی ویژگی روایی یا داستانگونه دارد؛ به این معنی که پیکره‌ها عموماً در حال نمایش یا روایت یک موضوع



تصویر ۱- ماکت سفالی لعاب‌دار، موزه هنر اسلامی برلین، سده ۱۳ یا ۱۴ میلادی

Ident.Nr. I. 4646 منبع: (URL:1).

خاص‌اند. البته در این میان، برخی نیز وجود دارند که فاقد نقش، کتیبه، پیکره یا هرگونه نشانه روایی است و صرفاً ارائه‌دهنده یک کالبد انتزاعی است. این گمان وجود دارد که این اشیا به صورت کامل به دست ما نرسیده باشند و بخش‌هایی از آن مفقود یا معیوب شده باشد (نمونه‌هایی از مجموعه بنیاد و حراجی هسینکز). از میان انواع و موارد مختلف به دست آمده از این اشیا، هیچگاه دو شیء که از نظر ساختار کالبدی، مضمون روایی و شیوه ساخت، کاملاً باهم تشابه داشته باشند، دیده نمی‌شود. این مطلب احتمالاً



تصویر ۴- نمای بالای مدل سفالی موزه متروپولیتن.
منبع: (URL:2).

حال انجام است. در چهار گوشه بنا زائده‌های ستون‌مانندی وجود دارد که بخش بالایی آن، شبیه گل میخ و به‌صورت شیاردار ساخته شده است. جداره بنا به‌صورت دو پوسته است که لایه بیرونی شبیه نقوشی از آجرکاری، مشبک شده و دورتادور بنا را احاطه کرده و پیکره‌ها نقشی شبیه ستون برای نگهداری سقف دارند. در میان این دو، راهرویی وجود دارد که در دور شیء ادامه پیدا کرده‌است. زائده‌های کنگره‌مانند نیز بر بالای دیواره دیده می‌شود که احتمالاً حلقه‌های کوچکی‌اند که شکسته شده است. چهار طرف منبر نیز شکسته شده که احتمال می‌رود منتهی به شکلی شبیه ستون‌های چهار طرف بنا باشد. برخلاف هشت نفر نشسته در طرفین، دو فرد مقابل، روی سکویی بالاتر از بقیه ایستاده‌اند. یکی از پیکره‌های مقابل، دست چپ و دیگری هر دو دست را بالا برده است. به‌دلیل زمختی بدنه سرامیکی و لعاب ضخیم و نیز آسیب‌ها، جنسیت دو فرد مقابل، قابل تشخیص نیست؛ اما هشت پیکر نشسته در طرفین، با موهایی که در طرفین صورتشان دیده می‌شود، احتمالاً زن باشند. پیکره‌ها با حالتی ایستا و فاقد حرکت، جام‌هایی در دست راست دارند و دست دیگر را روی پای خود قرار داده‌اند. در فضای بین منبر و سکویی که دو نفر روی آن قرار گرفته‌اند، زائده‌ای دیده می‌شود که شبیه پایه‌ای برای یک میز است و رویه آن از بین رفته است. رنگ شیء، فیروزه‌ای است که رنگی متداول و لعابی سهل‌الوصول در آن دوره بوده است و با توجه به نوع آن که احتمالاً قلیایی بوده، در بخش‌هایی مانند لبه‌ها نازک‌تر و در سطوح تخت و مابین، ضخیم‌تر شده است. از نظر فرم، گرچه ابعاد کاملاً دقیق نیست، تقارن، هم‌به‌لحاظ بصری و

در معماری رومی دیده می‌شود یا متأثر از آن‌ها. پیکره‌ها اعم از انسانی یا حیوانی، علی‌رغم حالت سکون و ایستای خود، در حال انجام یک کار به‌خصوص، مانند سخن‌گفتن، نوشیدن یا نواختن آلات موسیقی هستند. موارد به‌دست‌آمده از سایر تمدن‌ها منعکس‌کننده تأثیر از نوعی معماری برون‌گراست؛ در حالی که نمونه‌های ایرانی، کاملاً نشان‌دهنده یک فضای معماری درون‌گراست. اغلب این اشیاء، دارای پیکره‌ها یا نقوش انسانی یا حیوانی‌اند؛ اما هیچ‌گونه فرم و تزیین مرتبط با نقوش گیاهی هنوز مشاهده نشده است. شاید بتوان این اشیاء را به‌مثابه رسانه‌ای برای انتقال پیام و ارزش‌های ثبت‌شده تاریخی قلمداد کرد.





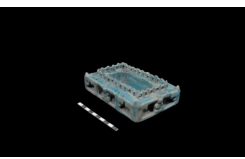
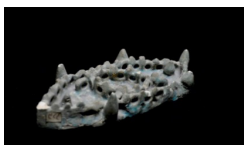
توصیف ماکت محفوظ در موزه متروپولیتن



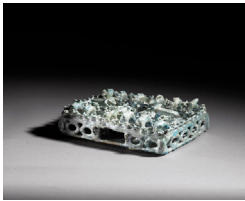


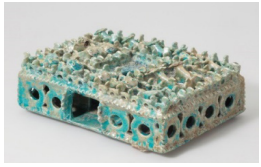

این شیء در موزه متروپولیتن به شماره ۶۷،۱۱۷ یک مراسم آیینی را به نمایش می‌گذارد. فردی در یک سمت محوطه داخلی روی پلکانی که بسیار شباهت با منبر مسجد دارد، ایستاده و ده پیکره دیگر، اطرافش را احاطه کرده‌اند. فردی که روی منبر ایستاده، عمامه بر سر، ردایی بلند در بر و عصا در دست دارد و با دست دیگر، دیواره منبر را گرفته که می‌تواند نشان‌دهنده مسن بودن او باشد. چهار پیکره در سمت چپ و چهار پیکره دیگر در سمت راست او نشسته‌اند. دو نفر هم در مقابل او قرار دارند. چیدمان پیکره‌ها به‌گونه‌ای است که می‌توان حدس زد خطاب فرد مسن به دو پیکره مقابل است و هشت پیکره دیگر، شاهد این رویداد هستند. مراسم در جایی شبیه حیاط مرکزی یک بنا در









تصویر ۳- مدل خانه سفالی، موزه متروپولیتن، قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ میلادی، منسوب به ایران، بدنه خمیر سنگی قالب‌گیری و فرم داده‌شده، لعاب فیروزه‌ای، ارتفاع ۷ سانتی‌متر، عرض ۱۱/۴ سانتی‌متر، طول ۱۸/۱ سانتی‌متر، شماره دسترسی ۶۷،۱۱۷.
منبع: (URL:2).








جدول ۱- توصیف و مشخصات اشیاء

شماره نمونه	تصویر نمونه	جنس	تکنیک ساخت	موضوع / روایت	تعداد طبقه	نوع پلان / ابعاد	تاریخ	محل نگهداری
۱		سفال لعابدار، خمیر سنگی	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی تک‌رنگ	گروه نوازندگان که در یک حیاط مرکزی گرد هم نشسته‌اند، دو پیکره در حالی که جام‌هایی را در دست گرفته، مقابل هم ایستاده‌اند	۱	مستطیل	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مجموعه بارل، گلاستو
۲		سفال لعابدار، خمیر سنگی	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	۹ پیکره حیوانی در راهروی طبقه بالا در حال حرکت / ۵ پیکره انسانی در محوطه میانی در حال خوردن / دارای ۶ ستون بین دو طبقه به شکل اندام حیوانی	۲	دایره	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مجموعه بنیاد تهران
۳		سفال لعابدار، خمیر سنگی	ورقه‌ای، دستی، کبالت تک‌رنگ	فاقد پیکره یا احتمالاً از بین رفته‌اند/ بخش‌هایی آسیب دیده/ نقش برجسته‌هایی به شکل حیوان بر دیواره جانبی	۱	مستطیل	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مجموعه بنیاد، تهران
۴		سفال لعابدار، خمیر سنگی	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	هشت پیکره حیوانی در حال حرکت در راهروی طبقه بالا/ شش پیکره انسانی ایستاده در فضای میانی در حال تماشا/ دو پرندۀ مقابل هم روی دو سکو	۱	مستطیل	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مجموعه بنیاد، تهران
۵		سفال لعابدار، خمیر سنگی	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	فضای میانی خالی است با از بین رفته/ در جداره اطراف، چهار فیگور انسانی احتمالاً به شکل زن نشسته، در حالی که احتمالاً در حال نوشیدن است.	۱	مستطیل	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مجموعه بنیاد، تهران
۶		سفال لعابدار، خمیر سنگی	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	فاقد عناصر انسانی یا حیوانی/ احتمال دارد از بین رفته باشد	۱	چند وجهی /	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مجموعه بنیاد، تهران

مجموعه بنیاد، تهران	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مربع	۱	فاقد عناصر انسانی یا حیوانی / احتمال دارد از بین رفته باشد	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۷
خراجی هسینگ، هلند	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد عناصر انسانی یا حیوانی / احتمال دارد از بین رفته باشد	ورقه‌ای، دستی، لعاب سبز تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۸
خراجی ساتی، لندن	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	دوازده پیکره حیوانی در مقابل هم قرار دارند / احتمالاً حیوانی شبیه گاو	ورقه‌ای، دستی، لعاب فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۹
مجموعه خصوصی، میلان	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا از بین رفته / در طبقه پایین، دو حیوان به شکل شیر یا گربه دیده می‌شود	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۰
مجموعه خصوصی، میلان	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	دارای پنج پیکره متقابل که احتمالاً در حال نوشیدن یا نواختن‌اند	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۲
مجموعه ناصر خلیلی، لندن	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی / تعداد پرشماری از حیوانات شبیه چهارپایان و پرند	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۳
موزه آگینه، تهران	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۲	مجموعه ای از ۶ یا ۷ پیکره انسانی ایستاده در حال خواندن و تواختن روی سقف بناپی شبیه یک مسجد	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای و لاجوردی	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۴

موزه بروکلین، ایالات متحده	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	۱۰ پیکره انسانی مقابل هم ایستاده‌اند. در میان آن‌ها دو سکو و یک ظرف طبق مانند قرار دارد که احتمالاً ۷ نوع خوردنی روی آن گذاشته شده	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۵
موزه بوستن، ایالات متحده	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۲	چند پیکره انسانی به‌عنوان ستون طبقه اول در حال نواختن و رقصیدن، در میان آن‌ها دو فرم مخروطی شبیه ظرف	ورقه‌ای، دستی، رنگ لعاب فیروزه‌ای، لیه‌ها لاجوردی، دارای کتیبه ناخوانای کوفی به رنگ سیاه	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۶
موزه رضا عباسی، تهران	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	هشت پیکره انسانی مقابل یکدیگر در نقش ستون‌های نگه‌دارنده سقف در حال نواختن/ دو ظرف دایره‌ای در میان که احتمالاً ۷ نوع خوردنی روی هر کدام قرار دارد	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۷
موزه رضا عباسی، تهران	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	۱۰ پیکره انسانی در فضای میانی در حال نواختن و یک نفر احتمالاً در حال رقص/ یک ظرف مخروطی شکل در میان/ بر بالای طبقه اول، پیکره‌های حیوانی دیده می‌شود	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۸
موزه طارق رجب، کویت	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا حیوانی یا از بین رفته	ورقه‌ای، دستی، لعاب لاجوردی تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۱۹
موزه لوور، پاریس	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	۱۰ پیکره در حال نواختن/ دو ظرف مخروطی و یک طبق محتوی هفت خوردنی در میان آن	ورقه‌ای، دستی، لعاب زرین فام	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۰

موزه متروپولیتن، ایالات متحده	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فردی روی منبر ایستاده و ۸ پیکره در حال نوشیدن در طرفین و دو نفر در مقابل ایستاده بر سکو/ احتمالاً ظرفی در میان بوده که از بین رفته است	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۱
موزه متروپولیتن، ایالات متحده	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره/ دارای نقش برجسته یک زن و مرد در آغوش هم	ورقه‌ای، دستی، لعاب زرین فام	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۲
موزه متروپولیتن، ایالات متحده	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی/ دارای نقش برجسته دو پرنده در مقابل هم	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۳
موزه متروپولیتن، ایالات متحده	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	دارای ۱۰ پیکره احتمالاً زن نشسته پیرامون حیاط یک بنا در نقش ستون سقف/ دو ظرف شبیه گلدان در میان و ظرفی که محتوی ۷ خوراکی است، در بین آنها قرار دارد	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۴
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره یا از بین رفته است	ورقه‌ای، دستی، لعاب فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۵
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	مشابه نمونه متروپولیتن/ فاقد پیکره/ دارای نقش برجسته یک زن و مرد در آغوش هم	ورقه‌ای، دستی، لعاب سبز و قهوه‌ای	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۶
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	مشابه نمونه متروپولیتن/ دارای ۱۰ پیکره احتمالاً زن نشسته پیرامون حیاط یک بنا در نقش ستون سقف/ دو ظرف شبیه گلدان در میان و ظرفی که محتوی ۷ خوراکی است، در بین آنها قرار دارد/ احتمالاً توسط یک نفر یا با یک قالب ساخته شده است	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۷

موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا حیوانی یا از بین رفته	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۸
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا حیوانی یا از بین رفته/ دارای نقش برجسته نامعلوم	ورقه‌ای، دستی، لعاب لاجوردی تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۲۹
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا از بین رفته/ پیکره یک شیر بزرگ در میان محوطه	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۰
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	چند وجهی / قایقی شکل	۱	فاقد پیکره انسانی یا حیوانی یا از بین رفته	ورقه‌ای، دستی، لعاب آبی تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۱
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مستطیل	۱	مشابه نمونه متروپولیتن/ دارای ۱۰ پیکره احتمالاً زن نشسته پیرامون حیاط یک بنا در نقش ستون سقف/ دو ظرف شبیه گلدان در میان و ظرفی که محتوی ۷ خوراکی است، در بین آنها قرار دارد/ احتمالاً توسط یک نفر یا با یک قالب ساخته شده است/ با نمونه موزه برلین Ident. Nr. I. ۲۸۲۲ مشابه است	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۲
موزه هنرهای اسلامی، برلین	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا حیوانی یا از بین رفته	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۳
موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن	قرن ۱۳-۱۲ میلادی	مستطیل	۱	دارای ۱۰ پیکره احتمالاً زن نشسته پیرامون حیاط یک بنا در نقش ستون سقف/ دو ظرف شبیه گلدان در میان و ظرفی که محتوی ۷ خوراکی است در بین آنها قرار دارد/ پیکره‌ها با جزئیات بیشتری نسبت به نمونه‌های مشابه ساخته شده‌اند	ورقه‌ای، دستی، فیروزه‌ای تک‌رنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۴

مجموعه آوگر بلاش، پاریس	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	دارای ۱۰ پیکره احتمالاً زن نشسته پیرامون حیاط یک بنا در نقش ستون سقف/ دو طرف مخروطی در میان و طرفی که محتوی ۷ خوراکی است، در بین آنها قرار دارد	ورقه‌ای، دستی، لعاب فیروزه‌ای تکرنگ/ کتیبه کوفی ناخوانا به رنگ سیاه	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۵
موزه مدرسه طراحی رود آیلند	قرن ۱۳ میلادی	مستطیل	۱	دارای ۸ پیکره احتمالاً زن نشسته پیرامون حیاط یک بنا در حال نواختن/ دو طرف که محتوی ۷ خوراکی است، در بین آنها قرار دارد	ورقه‌ای، دستی، لعاب فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۶
روسنی، پاریس	قرن ۱۲-۱۳ میلادی	مستطیل	۱	فاقد پیکره انسانی یا حیوانی یا از بین رفته	ورقه‌ای، دستی، لعاب فیروزه‌ای تکرنگ	سفال لعاب‌دار، خمیر سنگی		۳۷

شمایل شناسی در نگارش تاریخ هنر، شیوه‌ای است که محقق را از طریق خوانش ساختار اثر هنری، به سوی فهم معانی نهفته در اثر رهنمون شده و به تبع آن، منجر به فهم و دریافت روابط در فرهنگ و اجتماعی که زمینه پیدایش آن را فراهم کرده، می‌شود. براساس این فهم، نهایتاً می‌توان به شناخت دقیق‌تر و روشن‌تری از تاریخ هنر در دوره مشخص دست پیدا کرد. از این حیث، شاید بتوان پاسخ‌های بهتری برای ابهامات و سؤالات فراوانی که درباره اشیا موسوم به مدل خانه وجود دارد، پیدا کرد. براساس روش پانوفسکی، آثار بسیاری توسط خود او و سایر محققان مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است؛ ولی سفالینه‌های موسوم به مدل یا ماکت خانه، حتی به لحاظ معرفی، در ایران هنوز ناشناخته مانده است. با این حال، به گونه‌ای که در این نوشتار معلوم شد، به نظر می‌رسد روش خوانش پانوفسکی به دلیل ساختار مدون و سامانمند خود می‌تواند حداقل در مطالعه جنبه‌های بصری این آثار، مفید واقع شده و به‌طور اخص در مطالعه اشیا سفالین مزبور که واجد روایتگری و مضامین نمادین است، ضمن منسجم کردن روند مطالعه، به سایر محققان در شناخت بهتر معانی مغفول یا پنهان در آن، کمک کند.

هم به‌صورتی معناگونه حفظ شده است. تعادل و توازن و ریتمی یکنواخت، هم در پیکره‌ها و هم در فرم تزئینات دیواره به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

جدول ۱، چهارچوبی برای خوانش مدل‌های سرامیکی خانه در دوره میانی هنر ایران اسلامی، براساس توصیف پیش‌آیکونوگرافیک نظریه پانوفسکی ارائه می‌دهد. در قلمرو این چهارچوب، دو نکته قابل طرح است: اول اینکه، بهره‌گیری از این خوانش در مطالعه اشیا مذکور، این امکان را برای تحقیق فراهم می‌آورد تا با مقایسه و تطبیق اشیا با یکدیگر در حوزه توصیف پیکره هنری، بتوان تفاوت‌ها و تشابهات احتمالی را شناسایی کرد. این تفاوت‌ها، هم در قلمرو مطالعه بصری اشیا نمود پیدا کرده و هم در حوزه مضامین ارائه‌شده در هر کدام از آنها بازتاب دارد. نکته دوم اینکه، تحلیل شکل‌گرایانه و زیبایی‌شناسانه در مرحله پیش‌آیکونوگرافیک شکل می‌گیرد؛ ولی تحلیل شمایل‌نگارانه همراه با فهم عناصر و صور دارای معانی قراردادی یا نمادین است که در این مورد سعی شده تا حدی در قالب جدول مذکور به این قلمرو وارد شده و مضامین روایی هر کدام از نمونه‌های جامعه آماری مورد بررسی قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. از جمله روش فرمالیستی، نشانه‌شناسی، تاریخی و جامعه‌شناختی
۲. جهت اطلاع بیشتر، نک: ناهید عبدی، درآمدی بر آیکونولوژی: نظریه و کاربردها؛ امیر نصری، «خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی».
۳. برای مطالعه درباره تفاوت واژه graphy و logy به مقالات دکتر بلخاری، دکتر نصری و دکتر اسدی مراجعه شود.
۴. نک: هانس ولف، صنایع دستی کهن ایران.
۵. محفوظ در موزه ملی، تهران، ایران، شماره ۳۳۴۱.

منابع

- آلن، جیمز ویلسن (۱۳۸۷)، **سفالگری اسلامی از آغاز دوران ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد**، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- آتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر (۱۳۸۸)، **هنر و معماری اسلامی**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بهرامی، مهدی (۱۳۲۷)، **صنایع ایران، ظروف سفالی**، تهران: دانشگاه تهران.
- پانوفسکی، اروین (۱۳۹۵)، **شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی**، درآمدی بر مطالعه هنر رنسانس، ترجمه ندا اخوان‌اقدم، تهران: چشمه.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۷)، **سیری در هنرایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)**، تهران: علمی و فرهنگی.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۱۶)، **رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی**، چ ۶، تهران: علمی و فرهنگی.
- جان ناس (۱۳۱۲)، **تاریخ جامع ادیان**، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: انقلاب اسلامی.
- جوهری نیشابوری، محمد بن ابی‌البرکات (۱۳۸۳)، **جواهرنامه نظامی**، به کوشش ایرج افشار با همکاری محمدرسول دریاگشت، تهران: میراث مکتوب.
- حسن، زکی محمد (۱۳۶۶)، **تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام**، ترجمه محمدعلی خلیل، تهران: اقبال.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۲۵۳۷)، **دیوان خاقانی شروانی**، تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- دیمانند، موریس اسون (۱۳۸۳)، **راهنمای صنایع اسلامی**، ترجمه عبدالله فریار، چ ۳، تهران: علمی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷)، **تاریخ اجتماعی ایران**، ج ۳ (طبقات اجتماعی بعد از اسلام)، تهران: امیرکبیر.
- شایگان، داریوش (۱۳۱۱)، **هانری کربن، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی**، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگاه.
- شفییعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، **قلندریه در تاریخ**، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۱۱)، **فرهنگ اشارات ادبیات فارسی**، دو جلد، چ ۱، ویرایش دوم، تهران: میترا.
- شیشه‌گر، آرمان (۱۳۷۵)، **دانشنامه جهان اسلام**، مدخل بخور و بخوردان، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- عبدی، ناهید (۱۳۹۱)، **درآمدی بر آیکونولوژی: نظریه و کاربردها**، تهران: دایرة سفید.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۳)، **عصر زرین فرهنگ ایران**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چ ۲، تهران: سروش.

- فریه، ر. دلبلیو (۱۳۷۴)، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۹۲)، *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، تهران: ققنوس.
- کریمی، فاطمه و محمدیوسف کیانی (۱۳۶۴)، *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کریستینسن، آرتور (۱۳۷۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۵۷)، *سفال ایرانی، بررسی سفالینه‌های ایرانی، مجموعه نخست‌وزیری*، تهران: انتشارات مخصوص نخست‌وزیری.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹)، *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*، تهران: نسیم دانش.
- گراب، ارنست (۱۳۸۴)، *سفال اسلامی*، تهران: کارنگ.
- نصری، امیر (۱۳۹۱)، *خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی*، *کیمیای هنر*، دوره ۲، شماره ۶، ۲۰-۷.
- واتسون، الیور (۱۳۹۱)، *سفال زرین‌فام ایرانی*، ترجمه شکوه ذاکری، تهران: صداوسیما.

- Grube, E. (1976). *Islamic Pottery of the 8th 15th Century in the Keir Collection*. London: Faber & Faber.
- Grube, E.J. (1966). "Islamic Sculpture: Ceramic Figurines", *Oriental Art* 12.
- Fehervari, G. (1996) *Islamic Pottery*, in G. Fehervari *et al.* (eds.), *Art of the Eastern World (Hadji Baba Ancient Art)*, 93–116. London.
- Khalili Collection of Islamic Art 9, 150–247. London–Oxford.
- lane, A. (1947). *Early Islamic pottery: Mesopotamia, Egypt and Persia*. London: Faber & Faber.
- Margaret S. Graves, *Arts of Allusion: Object, Ornament, and Architecture in Medieval Islam*. Oxford: Oxford University Press, 2018.
- Morgan, P. (1994) *Iranian Stone-Paste Pottery of the Seljuq Period. Types and Techniques*, in E.J. Grube (ed.), *Cobalt and Lustre. The First Centuries of Islamic Pottery (The Nasser D)*.
- Pancaroglu, O. 2000. "A World unto Himself": The Rise of a New Human Image in the Late Seljuq Period (1150–1250), PhD thesis, Harvard University.
- Pancaroglu, O. (2007). *Medieval Islamic Ceramics from the Harvey B. Plotnick Collection*. Chicago, New Haven: Yale University Press.
- Pope, A.U. and Ackerman, P. 1938. *Survey of Persian Art from Prehistoric times to the Present*, Vols. II, IX.
- Watson, Oliver. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. London: Thames & Hudson Ltd.
- URL1: <https://recherche.smb.museum/?language=de&limit=15&sort=relevance&controls=none> Accessed at 9-11-2019
- URL2: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/451908> Accessed at 9-11-2019